

تجربه‌ها و روش‌های موفق تدریس

معلمان ادبیات منطقه ۱۴

جوهر مؤذنی

اشاره

در نشست‌های قبلی مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ویژگی‌های معلم ادبیات ترازمند و عوامل تدریس مطلوب و نامطلوب مورد بررسی استادان، کارشناسان و معلمان زبان و ادبیات فارسی قرار گرفت. این بار به دبیرستان فرهنگ منطقه ۱۴ تهران رفتیم تا تجارب و روش‌های موفق تدریس معلمان ادبیات این منطقه را در اختیار شما بگذاریم. در این نشست، سردبیر مجله با آقای دکتر محمود حسنی، مدیر مدرسه فرهنگ درباره فعالیت‌های این مرکز آموزشی گفت‌وگو کردند.

سپس معلمان ادبیات درباره کتاب‌های درسی تازه تألیف سؤال کردند که آقای دکتر محمدرضا سنگری به آن‌ها پاسخ دادند اما چون این سؤال‌ها خارج از موضوع نشست بودند، حذف شده‌اند. در ادامه، دبیران تجربه‌ها و روش‌های تدریس خود را توضیح دادند. گزارش این نشست و سخنان دلچسب و شنیدنی حاضران را می‌خوانید.

●● دکتر محمدرضا سنگری:

ابتدا از حضور همه شما عزیزان، همکاران ارجمند و دوستان گرامی و بزرگواری که لطف کرده و در این جمع دوستانه حضور یافته‌اید، صمیمانه تشکر می‌کنم.

در بدایت شکل‌گیری دبیرستان‌های فرهنگ، زمانی که دکتر حداد عادل نخستین دبیرستان فرهنگ را شکل داد، من هم بودم و تدریس می‌کردم، بعدها دبیرستان‌های فرهنگ در مناطق مختلف تهران شکل

گرفتند و آرام‌آرام به استان‌های دیگر رسیدند و الحمدلله راه‌آورد‌های خیلی خوبی هم داشتند.

گاه می‌دیدم که این دبیرستان‌ها از ظرفیت فارغ‌التحصیلان خود نیز استفاده می‌کنند. این روشی بسیار خوب و مناسب است که دانش‌آموزان پایه دوازدهم یا پیش‌دانشگاهی را به یکی از بچه‌هایی که با موفقیت فارغ‌التحصیل شده‌اند گره می‌زنند و این فارغ‌التحصیلان تجربه‌های توفیق خود را به نسل بعدی منتقل می‌کنند. حتی بعضی از این دبیرستان‌ها جایگاهی هم برای فارغ‌التحصیلان در مدرسه قائل شده‌اند؛ مثلاً برای ایجاد این ارتباط یک اتاق را به آن‌ها اختصاص داده‌اند. شاید بد نباشد خاطره‌ای را در این باره برایتان تعریف کنم. خدایش رحمت کند مرحوم علامه کرباسچی را که در آن روزگار عهده‌دار مدارس علوی بودند. شاید بعضی از همکاران شیوه‌های کار این شخصیت بزرگوار را در مدارس دیده باشند. یکی از شاگردانشان، آقای دکتر فیاض‌بخش، که از چهره‌های علمی کشور است می‌گفت: من برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته بودم اما همچنان با ایشان (علامه کرباسچی) ارتباط داشتم. (ارتباط در آن روزگار در حد نامه‌نگاری بود) می‌گفت وقتی من به ایران برگشتم، علامه کرباسچی مرا به دبیرستان دعوت کردند؛ در حالی که ده سال از زمانی که من دانش‌آموز آن مدرسه بودم، می‌گذشت. ایشان در بدو ورود نگاهی به من انداخت و گفت: موهبت بلند است. برو کوتاهش کن.

با اینکه من دکترایم را هم گرفته بودم و ایشان بعد از ده سال مرا می‌دیدند اما هنوز آن ارتباط و نقش تربیتی و مدیریتی خود را نسبت به من حفظ کرده بودند.

به من گفتند: بعد از اینکه موهبت را کوتاه کردی، بیا دبیرستان. وقتی رفتم، گفتند: می‌خواهم یک هفته این دبیرستان را به تو بسپارم و شما آن را مدیریت کنید. من هم در مقابل ایشان که یک علامه بود چیزی نمی‌توانستم بگویم جز اینکه بپذیرم.

حالا من این مثال را می‌زنم که بابی را باز کرده باشم. حتماً همکاران شنیده‌اند که ما یک میرنوروزی داشته‌ایم که حافظ هم به آن اشاره می‌کند:

«سخن در پرده می‌گویم چو گل از غنچه بیرون آی/ که بیش از پنج روزی نیست حکم میرنوروزی»

ظاهراً وقتی نوروز می‌رسیده، پادشاه چند روزی از مسئولیت کناره می‌گرفته و کسی را برای تفنن و تفریح می‌آورده‌اند که کار پادشاهی را می‌کرده و دستوراتی می‌داده که جنبه تفریح و تمشخ داشته است. به هر حال، دکتر فیاض‌بخش می‌گوید که آن علامه بزرگوار به من گفت: سؤالی از تو دارم؛ به نظر شما سطل آشغال مدرسه کجا باید باشد؟ خب، در نظر اول این سؤال پرتی است اما هر عنصری به‌عنوان سازه‌ای پنهان می‌تواند در تدریس مؤثر باشد. ممکن است ما جزئی‌ترین و بیش‌یا افتاده‌ترین مسائل را نبینیم و به راحتی از کنار آن‌ها رد شویم و این سؤال تکانه بزرگی برای من بود که عجب!! گاهی وقت‌ها بعضی چیزها از دید ما

خارج می‌شوند، در حالی که اتفاقاً آن‌ها هم نقش تربیتی زیادی دارند و ممکن است ما اصلاً آن‌ها را نبینیم. بیست سال پیش من مقاله‌ای نوشتم با عنوان «نقش تربیتی معاون مدرسه» که آن وقت‌ها به او «ناظم»

بهره‌گیری می‌کنید و آیا آماری دارید از اینکه چند درصد از بچه‌هایی که از اینجا فارغ‌التحصیل می‌شوند، به رشته ادبیات می‌روند؟ حالا رشته‌های مختلف علوم انسانی هم هست. آیا درصد روشن و مشخصی پیش رویتان هست؟

تأثیرگذاری زیادی دارند. حتی بعضی از حرف‌های بچه‌ها را که ممکن است نتوانند با ما در میان بگذارند، از زبان این‌ها می‌شنویم. درباره اینکه چند درصد از دانش‌آموزان مدرسه ما رشته ادبیات را دوست دارند،



گاهی یک معلم دانش کافی دارد اما چون روش تدریس مناسبی ندارد، در تدریس موفق نیست

می‌گفتند. اینکه ناظم و یا حتی فرآش مدرسه چه تأثیری می‌توانند داشته باشند. آن روزها ما به فرآش می‌گفتیم «بابای مدرسه»، ممکن است نقش تربیتی این اشخاص دیده نشود اما اتفاقاً این‌ها هم تأثیر گذارند. به‌طور کلی، هر عنصری می‌تواند در تدریس تأثیر گذار باشد. هر چیزی به‌عنوان یک سازه پنهان در شکل‌دهی رفتارهای ما می‌تواند مؤثر باشد. نور یا حتی باران و ... می‌توانند در رفتارهای ما تأثیر گذار باشند.

●● دکتر محمود حسنی

دکترای مدیریت آموزشی و مدیر دبیرستان فرهنگ منطقه ۱۴:

بچه‌های سال‌های گذشته، خیلی‌هایشان در رشته‌های دیگری درس خوانده‌اند اما سال گذشته از دو نفر از دانش‌آموزان که وارد دانشگاه شده‌اند، خواستیم که بعضی از روزها که دانشگاه نمی‌روند، به مدرسه بیایند و در کنار بچه‌ها باشند. البته درسی برایشان نگذاشتیم که بروند سر کلاس و تدریس کنند اما بعدازظهرها که دانش‌آموزان مدرسه در پانسیون مطالعاتی خود هستند، کارهایی را که خودشان در سال‌های قبل انجام داده‌اند و راه‌هایی را که رفته‌اند و به نتیجه رسیده‌اند، با بچه‌های مدرسه در میان می‌گذارند و با توجه به نزدیک بودن سن و سالشان به همدیگر،

باید عرض کنم که علاقه بچه‌های ما به رشته ادبیات زیاد است اما تعدادی که موفق شده‌اند این رشته را ادامه بدهند، ۱۵ تا ۲۰ درصد بیشتر نیستند. هر هفته با بچه‌های یازدهم یک ساعت جلسه دارم. خودم از بچه‌ها می‌خواهم که مثلاً برای هفته آینده روی یک برگه کاغذ، ۱۰ رشته اولی را که مایل‌اند در دانشگاه در آن‌ها ادامه تحصیل بدهند، بنویسند و به من بدهند که من روی همان رشته‌ها برنامه‌ریزی کنم. ما دو مشاور هم در مدرسه داریم: مشاور آموزشی و مشاور خانوادگی، که هم به بچه‌ها درباره درس‌ها مشاوره می‌دهند و هم به خانواده‌ها که نمی‌دانند با دانش‌آموزان سال دوازدهم خود چه رفتاری داشته باشند. طرحی که خودم ابداع کرده‌ام این است که دانش‌آموزان سال دوازدهم هر روز در مدرسه مطالعه داشته باشند. آن‌ها بعدازظهرها تا ساعت ۸ شب مطالعه می‌کنند. بچه‌های سال یازدهم را هم از همین حالا به مطالعه علاقه‌مند می‌کنیم تا وقتی به پایه دوازدهم رسیدند، مطالعه کردن را یاد گرفته باشند. بعدازظهر روزهای شنبه سه هدف را

پیش برده‌ایم: یکی اینکه بچه‌ها روش‌های درست مطالعه کردن را یاد بگیرند؛ دوم، روش تندخوانی را بیاموزند و سوم در کلاس‌های تست‌زنی شرکت کنند تا به تست زدن مسلط شوند. این سه هدف را برای بچه‌های پایه یازدهم دنبال کرده‌ایم که در سال دوازدهم با مشکلات زیادی روبه‌رو نباشند.

●● دکتر محمدرضا سنگری:

سپاسگزارم. همه این‌ها مقدمه‌ای بود برای اینکه زمینه‌ای را فراهم کنیم تا از این فرصت که در محضر همکاران و دوستان عزیز و معلمان بزرگوار هستیم، بهره‌گیری کنیم. اگر تجربه خاص در آموزش و تدریس متون درسی ادبیات یا دروس و یا دستور زبان فارسی دارید یا الگوها و روش‌هایی بوده است که در آن‌ها توفیق داشته‌اید، بازگو بفرمایید. امیدوارم ثمرات این جلسه تأثیرات خوبی بر روند آموزشی دانش‌آموزان داشته باشد. همچنین، از جناب آقای منتهایی و سرکار خانم ماسی، مسئول متوسطه منطقه ۱۴، و سرکار خانم فاطمه مقصدی، معاون پژوهشی منطقه ۱۴، و دبیران محترم ادبیات دبیرستان فرهنگ و سایر دبیرستان‌های این منطقه که در اینجا حضور دارند تقدیر و تشکر می‌کنم.

ان‌شاءالله بتوانیم از تجربه‌های آموزشی همه شما عزیزان استفاده کنیم.

بحث ما بر سر کتاب‌های درسی ادبیات است که در روزهای اخیر موج‌هایی را برانگیخت و به بحث‌های روشی بسیاری دامن زد. چون ما عمدتاً درباره مسائل دانشی صحبت کرده‌ایم تا روشی. دلیل این امر هم آن است که در حوزه روش، مقالات هم اندک‌یاباند و بهتر است به روش هم به اندازه دانش بپردازیم و عنایت و توجه داشته باشیم.

گاهی یک معلم دانش کافی دارد اما چون روش تدریس مناسبی ندارد، در تدریس موفق نیست. البته این به معنای فروداشت دانش نیست. دانش هم در جای خود بسیار مهم است اما به تنهایی کافی نیست. از دوستان بزرگوار تقاضا می‌کنم بفرمایید که برای عرضه کردن متن درس از چه روش‌هایی می‌توانیم استفاده کنیم تا

تدریس موفق داشته باشیم.

●● شیرین علی‌پور

دبیر ادبیات مدرسه بشارت منطقه ۱۴:

دبیر ادبیات باید قبل از عرضه کردن متن درس ادبیات، دانش‌آموزان را از قبل شناسایی کرده باشد و تشخیص بدهد که کدام دانش‌آموز برای خواندن متن حماسی مناسب است یا کدام یک توانایی خواندن متن تعلیمی را دارد یا مثلاً کدام دانش‌آموز بهتر می‌تواند داستان را بخواند و از قبل به او بگوید که فلان متن یا فلان درس را مطالعه کند و سپس در کلاس ارائه بدهد. اینکه از قبل به دانش‌آموزان بگوییم که مثلاً در جلسه بعد می‌خواهیم چه درسی را مطرح کنیم و اگر آن درس درباره یک شاعر است دیوانش را به کلاس بیاوریم که بچه‌ها از نزدیک آن را ببینند، لمس کنند و ورق بزنند، می‌تواند جاذبه ایجاد کند. مثلاً گلستان سعدی را خودمان به داخل کلاس ببریم و دیگر او را به فضای مجازی ارجاع ندهیم. بنابراین، معرفی نویسنده از قبل می‌تواند بسیار مؤثر باشد؛ همین‌طور، استفاده از دانش‌آموزانی که می‌توانند به خوبی از عهده خواندن متن مورد نظر برآیند. این شیوه کار من در تدریس است؛ چون اگر دانش‌آموزان ضعیف بخواهند متنی را بخوانند، به نتیجه لازم نمی‌رسیم. بنابراین، من از قبل دانش‌آموزی را که می‌تواند آن متن را بهتر بخواند، شناسایی و تعیین می‌کنم. در غیر این صورت هم وقت کلاس هدر می‌رود و هم جذابیت کار کم می‌شود. من با شناختی که از دانش‌آموزانم دارم، می‌دانم که کدام یک از آن‌ها چه متنی را بهتر می‌توانند بخوانند. با توجه به این شناخت، متن متناسب با استعداد و توانایی آن دانش‌آموز را به او می‌دهم و از همان اول سال معلوم است که کدام دانش‌آموز چه درسی را باید بخواند و در کلاس ارائه بدهد. البته من فقط به خواندن توجه نمی‌کنم بلکه درک مطلب هم مهم است؛ البته اگر دانش‌آموز از عهده آن برآید. گاهی از موسیقی و آهنگ‌های خوانندگان مجازی هم که شعر کتاب درسی را خوانده باشند، استفاده می‌کنم؛ چون خود دانش‌آموزان هم می‌گویند که با این روش بهتر می‌توانند آن شعر را حفظ کنند و یاد بگیرند. در این

میان، خود معلم باید خوانندگان خوب را به دانش‌آموز معرفی کند، چون ممکن است دانش‌آموزان را فراتر بگذارد و خواننده مناسبی را پیدا نکند. البته اشعار کتاب را اغلب خوانندگان شناخته شده و کلاسیک و مجاز خوانده‌اند.

●● دکتر محمدرضا سنگری:

از دبیران محترمی که در اینجا حاضرند، تقاضا می‌کنم اگر روش‌های تدریس متفاوتی دارند و از اصل غافلگیری و آشنایی‌زدایی بهره برده‌اند، بفرمایند.

●● معصومه جلیلی

دبیر ادبیات مدرسه بشارت منطقه ۱۴:

دانش‌آموزان من می‌توانند خودشان متن درس را بخوانند و در کلاس توضیح بدهند. حتی در اشعار هم می‌توانند این کار را انجام دهند، مثلاً درس‌هایی که برایشان قابل فهم‌تر است، مانند درس بوی جوی مولیان در پایه دوازدهم را خودشان در کلاس به‌طور کامل بخوانند و برای هم‌کلاسی‌هایشان توضیح بدهند؛ حتی بدون اینکه از کتاب استفاده کنند یا مثلاً درس «قصه عینکم» در پیش‌دانشگاهی و یا آخرین درس از آلفونس دود را بچه‌ها می‌خوانند و بدون استفاده از کتاب در کلاس ارائه می‌دهند. با جزئیات کامل هم توضیح می‌دهند و حتی از دوستانشان می‌خواهند که به کتاب نگاه کنید و ببینند که جایی از درس مانده که برایشان توضیح نداده باشند. روش کار من به این صورت است که یکی از دانش‌آموزان درس را دقیق می‌خواند و به‌طور کامل توضیح می‌دهد. سپس، اگر دانش‌آموزان سؤالی داشته باشند، آن را از دانش‌آموز مورد نظر می‌پرسند. در پیش‌دانشگاهی هم من همیشه همین کار را انجام می‌دهم؛ مثلاً در تدریس داستان کاوه و ضحاک، اول شخصیت‌ها را روی تخته کلاس می‌نویسم و معرفی می‌کنم و سپس، وارد درس می‌شوم. زمانی هم شروع به تدریس می‌کنم که مطمئن باشم بچه‌ها کاملاً آماده‌اند. مثلاً با شخصیت فریدون کاملاً آشنا شده‌اند و ضحاک را می‌شناسند. در مورد اشعار خیلی طولانی همیشه همین

کار را انجام می‌دهم.

●● نصراله کیا

دبیر ادبیات دبیرستان فروغ شهادت
منطقه ۱۴:

بعضی از متون، انگیزه و علاقه لازم برای بهتر گوش کردن و یادگیری بهتر درس را به دانش آموز می‌دهند. معلم می‌تواند از ظرفیت این متون بهره ببرد و کاری کند که بچه‌ها با علاقه بیشتری به درس توجه کنند؛ مثلاً درس «مواج سند» دکتر مهدی حمیدی را که می‌خواهم آموزش بدهم، فقط به همان درس اکتفا نمی‌کنم. ابتدا چند بیت شعر می‌خوانم و از تاریخ مغول و کتاب عطا ملک جوینی مباحثی را که برای بچه‌ها جذاب است، مطرح می‌کنم تا آن‌ها هم حسی پیدا کنند و با اشتیاق بیشتری به درس توجه کنند. حتی گاهی ابیات محذوفی از درس را هم برایشان می‌خوانم، یا مثلاً در درس تاریخ بیهقی مطالبی را درباره سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی مطرح می‌کنم که برایشان جالب توجه است و مقدماتی را مطرح می‌کنم که برای بچه‌ها ایجاد انگیزه کند. سپس درس را شروع می‌کنم.

●● فاطمه قاسمی مقدم

دبیر ادبیات هنرستان نمونه دولتی
آسیه منطقه ۱۴:

ای کاش در کتاب‌های درسی وقتی ابیاتی از شعری حذف می‌شود، برای رعایت امانت، حذف شده‌ها را به طریقی مشخص کنند اما چون در حال حاضر این کار انجام نمی‌گیرد، معلم به روش‌هایی چون با تغییر لحن یا توضیح دادن ابیات محذوف را به دانش آموزان اطلاع می‌دهد؛ وگرنه ممکن است دچار اشتباه شوند. نکته دیگر اینکه در شعر «دماوندیه»، ابتدا کلیت شعر را برای دانش آموزان توضیح می‌دهم تا نقشه داستان در ذهن آن‌ها ترسیم شود. هدف از این کار تأکید بر مفهوم ابیات جهت درک بیشتر دانش آموزان و کمک به آن‌ها برای پاسخ دادن به سؤالات کنکوری است. بعد از توضیحات کلی، بیت به بیت را برای دانش آموزان توضیح می‌دهم.

کشیدند و گفتند حالا قلۀ این کوه‌ها را مشخص کنید. بعد کارورز یک کوه بزرگ‌تر کشید. بچه‌ها از این روش خیلی خوششان آمده بود و در ذهنشان هم ماندگار شد. با اینکه آن کارورز اولین بار بود که آن درس را تدریس می‌کرد، کارش برای دانش آموزان جذاب بود و توجه و علاقه و تمرکز آن‌ها را بالا برده بود.

●● دکتر حسن نادرخانی

دبیر ادبیات دبیرستان نمونه دکتر
حسابی منطقه ۱۴:

روش گشتالتی را که همکاران درباره یک درس عنوان کردند من به‌صورت کلی درباره درس ادبیات مطالبی را می‌گویم که هم در آزمون‌های تشریحی و هم در کنکور مبتلا به دانش آموزان هست.

اصل کار این است که دانش آموز با علاقه و هیجان و انگیزه درس ادبیات را فراگیرد. دوم اینکه من روش معکوس را در تدریسم اجرا می‌کنم؛ یعنی وقتی اهداف کلی درس مثل املا و معنی واژه و تاریخ ادبیات و دستور و آرایه و مفهوم را برای دانش آموزان ترسیم می‌کنم و وقتی درسی را می‌خواهم شروع کنم، دانش آموزان خودشان باید اهداف درس را استخراج کنند و مثلاً تشخیص بدهند که علاوه بر واژه‌های پایان کتاب، چه واژه‌هایی از جهت معنایی اهمیت دارند. معمولاً قبل از آمدن به کلاس، دانش آموزان کار استخراج اهداف درس را انجام می‌دهند؛ همچنین تشخیص واژه‌هایی را که از جهت املایی اهمیت دارند. اینکه چه مباحثی از نظر دستوری دارای اهمیت‌اند. با توجه به آموخته‌های قبلی‌شان تشخیص می‌دهند که چرا روی فلان کلمه یا فلان جمله مکتب شده و چرا دبیر بیشتر به آن مباحث پرداخته است؛ همین‌طور لحن و طریقه خواندن متن یا شعر. من با همان روش گشتالتی به دانش آموزان می‌گویم که تمام شاعران و نویسندگان می‌خواهند این مفاهیم را بیان کنند. این مفاهیم یا اخلاقی هستند یا عارفانه و عاشقانه و یا حماسی و یا توصیف‌اند که موضوع آن‌ها می‌تواند طبیعت یا جوانی و ... باشد. برای این مفاهیم مثال‌هایی را نیز مطرح می‌کنم و به دانش آموزان می‌گویم که

این کار برای پرسش‌های کلاسی و آزمون گرفتن از دانش آموزان هم کمک‌کننده است؛ چون سبب می‌شود مطلب را درک کنند و در نتیجه بهتر به سؤالات پاسخ دهند. در همین درس دماوندیه که به‌عنوان مثال عرض کردم، کوه دماوند را هم خیلی ساده طراحی می‌کنم.

اما همین طرح ساده باعث می‌شود که مطلب بهتر در ذهن دانش آموز جای بگیرد. حتی بعضی دانش آموزان موقع معنی کردن بیت‌های شعر، طرح کوه را هم مثل من نقاشی می‌کنند. این نشان می‌دهد که کاملاً متوجه مفاهیم و آرایه‌های شعری شده‌اند و این مفاهیم به خوبی در ذهنشان ماندگار شده است.

من لپ‌تاپ هم سر کلاس می‌برم؛ پی‌دی‌اف کتاب را روی تخته پخش می‌کنم و زیر ابیات خط می‌کشم و آرایه‌ها را می‌نویسم و توضیح می‌دهم. تمرکز دانش آموزان با این روش بالاتر می‌رود.

●● شیرین علی‌پور:

من در مبحث آرایه‌ها به بچه‌ها گفتم که شما را گروه‌بندی می‌کنم. این کار را در پایه دوازدهم انسانی انجام دادم؛ مثلاً برای آرایه تشبیه پنج نفر را انتخاب کردم و گفتم در درس نی‌نامه، توضیح آرایه تشبیه و پیدا کردن آرایه‌های تشبیه با شما. من دیگر خودم درباره تشبیه هیچ توضیحی نمی‌دهم و دانش آموزان که از قبل با آرایه تشبیه آشنا شده‌اند، این بخش از تدریس را به عهده می‌گیرند. به پنج نفر دیگر استعاره مکتبه یا مصرحه را محول می‌کنم. البته این طور نیست که همیشه تشبیه با آن ۵ نفر اول باشد. به‌صورت چرخشی در درس‌های بعدی تغییر می‌کند و مثلاً کسانی که قبلاً تشبیه را تدریس کرده‌اند، حالا استعاره را تدریس می‌کنند یا مثلاً مجاز را به عهده می‌گیرند. درباره درس دماوندیه که همکارمان فرمودند، می‌خواستم یک تجربه را بیان کنم. من در کلاس کارورز داشتم. کارورز در تدریس دماوندیه از بچه‌ها سؤال کرد: کدام یک از شما بهتر نقاشی می‌کشید؟ بچه‌ها هم دانش‌آموزانی را که بهتر نقاشی می‌کشیدند، معرفی کردند. بعد روی تخته سه تا کوه

بعضی اشعار ترکیبی از این مفاهیم هستند. بعد به آن‌ها فرصت می‌دهم؛ مثلاً دو هفته، ابیاتی را می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم که در طول مدت تعیین شده، تشخیص بدهند که آن ابیات چه مفاهیمی را بیان می‌کنند. و اینکه عاشقانه یا عارفانه و ... هستند ... آن‌ها بعد از تشخیص دادن این مفاهیم باید این نکته را هم مشخص کنند که مثلاً اگر شعری عاشقانه است، چه حرف عاشقانه‌ای را مطرح می‌کند یا اگر اخلاقی است، کدام نکته اخلاقی را بیان می‌کند. گاهی دانش‌آموزی به اشتباه بی‌تی را که مثلاً مفهوم عارفانه دارد، به‌صورت اخلاقی معنی می‌کند. وقتی دلیلش را می‌پرسم و دانش‌آموز آن بیت را می‌خواند، متوجه می‌شوم که اصلاً آن بیت را اشتباه خوانده و به همین سبب مفهوم را اشتباه متوجه شده است. به تدریج که مفهوم بیت را در می‌یابند، متوجه ارتباط زنجیره‌وار کلمات بیت و در نتیجه آرایه‌های نهفته در بیت هم می‌شوند. لذت‌بخش‌ترین کار برای دانش‌آموزان من همین است که آن‌ها (حتی داوطلبانه) پیدا کردن این مباحث را قبل از تدریس به‌عهده بگیرند. من دو سه هزار بیت به‌صورت نمونه در اختیار دانش‌آموزان می‌گذارم و از آن‌ها می‌خواهم ارتباط بین ابیاتی را که در درس کتاب است با ابیاتی که خود به آن‌ها داده‌ام، پیدا کنند. این ارتباط که آن را به‌صورت زنجیره بین آموخته‌هایشان و درس‌های کتاب پیدا می‌کنند، باعث می‌شود که از درس ادبیات لذت ببرند. آن‌ها به‌خوبی درمی‌یابند که وقتی آزمون دارند، چه مواردی را باید بخوانند. این کار باعث شده که حتی روی شعری که روی دیوار یا پشت یک ماشین هم می‌بینند، کنج‌جوی کنند و بیابند. سرکلاس و درباره مفاهیم آن صحبت کنند.

●● دکتر محمدرضا سنگری:

روش تدریس شما به‌گونه‌ای مفهوم‌محور است و حرکت از کل به سمت جزء و دادن تصویر کلی از یک متن و فهم جایگاه متن در مجموعه ادبیات و گونه‌شناسی متن است. این کار مستلزم حوصله و صرف وقت زیادی است که باعث توسعه ذهنی دانش‌آموزان هم می‌شود.

●● اکرم بیگلری

دبیر ادبیات منطقه ۱۴:

من در کلاس ابتدا به دنبال استعدادهای دانش‌آموزانم هستم؛ اینکه آیا شاعرند و ... به استعدادهای آن‌ها خیلی اهمیت می‌دهم. اگر دانش‌آموزی شاعر است، به او فرصت می‌دهم که شعرش را در کلاس بخواند هنگام تدریس هم آرایه‌ها را روی شعر آن دانش‌آموز اجرا می‌کنم. سپس، به دنبال تدریس خودم می‌روم.

معمولاً بچه‌ها از این موضوع خیلی استقبال می‌کنند. اگر دانش‌آموزی خط خوبی دارد، از او می‌خواهم با خط زیبایش بی‌تی را که من می‌خواهم روی تخته بنویسد. این قدرانی از استعداد دانش‌آموزان خیلی در تدریس من مؤثر بوده است. معمولاً از دانش‌آموزان می‌خواهم که ادامه داستان یا شعر کتاب را به میزان دو سطر بنویسند و به مفاهیم اشاره کنند و به آن شکلی که خودشان دلشان می‌خواهد، مطلب را ادامه دهند. مثلاً در درس رستم و سهراب، اغلب بچه‌ها دلشان نمی‌خواهد سهراب بمیرد. بعضی از آن‌ها دوست دارند سهراب فرار کند یا با پدرش آشتی کند و ... نکته بعدی این است که بعضی از دانش‌آموزان به دنبال خواندن کتاب‌های نویسندگان غیرایرانی هستند. گویی کتاب‌های جدید نیازهای دانش‌آموزان ما را برطرف نمی‌کنند و جذابیت لازم را برای دانش‌آموزان ندارند. بسیاری از دانش‌آموزان در خواندن ضعیف‌اند و به همین دلیل مفاهیم را به‌خوبی درک نمی‌کنند.

●● مریم معینی

دبیر ادبیات دبیرستان‌های منطقه ۱۴:

می‌خواهم درباره متوسطه اول نکته‌ای را مطرح کنم. معمولاً در کتاب درسی مطالبی را درباره گروه اسمی می‌گویند و در تمرین‌ها جمله‌هایی می‌دهد و این باعث می‌شود که دانش‌آموز نتواند به تمرین‌ها پاسخ بدهد یا کتاب درباره نقش عطف و واو عطفی که در گروه اسمی هست، اینکه نقش آن چیست و آیا جزء هسته محسوب می‌شود یا جزء وابسته‌ها در نظر گرفته می‌شود، چیزی نگفته اما در عین حال تمرینش را داده است. واقعیت این است که در تدریس چه بگوییم

و چه نگوییم به اشکال برمی‌خوریم؛ اگر نگوییم که تمرین قابل پاسخ دادن نخواهد بود. اگر هم بخواهیم بگوییم، زمان با توجه به تنوع و حجم مطالب کتاب کافی نیست. بنابراین، توصیه من به مؤلفان کتاب درسی این است که تمرین کتاب در حدی باشد که در درس گفته شده است. در بحث روش‌های تدریس مثلاً در درس دستور و مبحث گروه‌های اسمی، من از دانش‌آموزان می‌خواهم که ابتدا اجزای جمله را مشخص کنند و بعد از آن، هسته و وابسته را. سپس، به آن‌ها می‌گویم که مثلاً کلمه‌ای که اسمی است می‌تواند یک گروه اسمی باشد یا مثلاً در آرایه‌های ادبی گاهی اوقات از تصویر استفاده می‌کنم؛ مخصوصاً در تشبیه مرکب، و همیشه سعی می‌کنم نمونه‌هایی خارج از کتاب برای بچه‌ها سرکلاس ببرم. در تدریس بعضی اشعار و ابیات هم به‌عنوان مثال در بیت: «سر از البرز بر زد قرص خورشید

چو خون آلوده دزدی سر ز مگمن»

کوه البرز و همین‌طور خورشید در حال طلوع را به‌صورت ساده روی تخته می‌کشم و بعد جلوی آن یک علامت تساوی می‌گذارم؛ به‌طوری که گویی دزد از کمینگاه بخشی از سرش را در آورده و می‌گویند این دو وضعیت شبیه هم‌اند. از رنگ قرمز استفاده می‌کنم؛ برای اینکه صورت خون‌آلوده و حالت خورشید در حال طلوع را در ذهن دانش‌آموزان تداعی کنم. مورد دیگر اینکه ادبیات در متوسطه اول حالت شفاهی دارد و دانش‌آموز به‌رگزار شدن آزمون کتبی اعتراض می‌کند که بارم خاصی هم ندارد و دست همکاران در نمره دادن باز است. این معضلی است که همکاران متوسطه دوم را دچار مشکل می‌کند.

●● دکتر محمدرضا سنگری:

بسیار سپاسگزارم. صحبت‌های بسیار خوبی مطرح شد.

متأسفانه فرصت نشد همه همکاران و دبیران حاضر صحبت کنند اما همین مقدار هم که بیان شد، بسیار مغتنم است. به قول شهریار: امشب از دولت می‌دفع ملالی کردیم این هم از عمر دمی بود که حالی کردیم ان‌شاءالله در مجال‌های بعدی سایر عزیزان هم تجربه‌های خود را در تدریس مطرح کنند.